

آزادی گروهی از زندانیان سیاسی برای پوشاندن کوه اجساد اعدام شدگان

نفر زندانی گروهی که در سراسر کشور وجود دارند که بقیه منهای ۹۰۰ نفر آزاد می شوند. ری شهری همچنین ابراز داشت: "کمتر قلبی است که به مهر و عطوفت امام آشنا نباشد و این تصمیم (آزاد کردن زندانیان سیاسی) امام نشان دهنده کمال اعتماد ایشان به مسئولان وزارت اطلاعات است."

ما در شماره گذشته نشریه براساس گزارش های دریافتی ترکیب هياتی که بقیه در صفحه ۷

رژیم تبهکار خمینی که هنوز از جنایت هولناک قتل عام هزاران زندانی سیاسی فرافست نیافته است، شب و روز در رسانه ها و بوق های تبلیغاتی اش از آزادی زندانیان سیاسی دم می زند. جلادانی که بر تمامی پیکر شان خون شریف ترین و عاشق ترین فرزندان خلق دلمه بسته است، می گوشتند ماسک نجسب مصلحان را بر چهره گریه خود به نهند.

ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۵ بهمن اعلام کرد "حدود ۳۵۰۰

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۷ برابر ۲۵ فوریه ۱۹۸۹
بها ۶۶ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۶

«سلمان رشدی مرقد»، جای «صدام حسین کافر»، را گرفت

فهرست اسامی
گروهی دیگر از
قربانیان
کشتار همگانی
زندانیان سیاسی
ایران

در صفحه ۷

هم از وی فرمان می گرفته؟ و یا اینکه ناقلایی بوده که در میدان رشدیه سلمانی داشته و این مدت زیر زیرکی جوانان اسلام را از راه بدر می برده؟ آیا همانگونه که یک مخبر رادیو در برنامه اخبار روز چهارشنبه هفته گذشته گزارش می کرد تلفظ درست نام او "سلمان رشتی" است؟ قضیه پیچیده است و حل آن تنها از همده فضایی حوزه هلمیه قم بر می آید که باید بنشینند، اخبار و احادیث را کاوش کنند در این ملعون و نسبتش با این ملجم و شمر ذی الجوشن و هند جگر خوار را بدست آورند و بقیه در صفحه ۳

روایت حزب الله در تبریز: "به فرمان رهبرم، دشمن پیغمبرم، اعدام باید گردد!"
تا سلمان رشدی اعدام نشود، مشکلات مملکت اسلامی برطرف نخواهد شد. حتی گرانی و بیکاری را او باعث شده است. هم اوست که خروار خروار هروئین و تریاک وارد مملکت امام زمان می کند. فاقتلوه حتی لا تکون فتنه (پس بکشیدش تا فتنه فرو بنشیند!) اجرا باید گردد! اعدام باید گردد!
این توطئه گر کیست؟
سلمان رشدی کیست؟ یک ژنرال هراقی است که سالها پشت صحنه بوده و صدام حسین هفتلی

از یک "توطئه عظیم" پرده بر گرفته شد. توطئه گر سلمان رشدی نام دارد. او به مراتب خطرناکتر از صدام حسین کافر است. صدام حسین خود یکی از نوچه های اوست. اصلا او باعث همه نابسامانی های مملکت اسلام است. صدام حسین با امام مخالف بود، اما زبانهان لال این سلمان رشدی به پیغمبر اهانت کرده است. تکلیف وی روشن است: همانگونه که در روز چهارشنبه هفته گذشته حزب الله در شهر قم شعار می داد: "رشدی سرسپرده اعدام باید گردد: حکم امام امت اجرا باید گردد!" و یاب

جنازه های آویخته در چهار راه ها و میادین تهران

برابر چشمان مردمی که بدون این مرم بقدر کافی زجر کشیده اند... کشتن، ذاتی این حکومت است، تنها وسیله ای برای سرکوب مخالفان نیست. قتل، برای این رژیم همانقدر حیاتی است که تنفس برای انسان. این حکومت، حکومت آدمکشان است.

تهران در هفته گذشته در بهت و حیرت از این همه قساوت، ساهاتی چند فلج شد. در شهرهای دیگر هم بیداد می کنند. در تبریز و ملایر که اعدام ها در زندان صورت می گیرد، چوبه های دار را آنقدر بلند می سازند که از بیرون پیدا باشد. دیگر اعدام همه متهمان هادی هلنی است: به اتهام قاچاق مواد مخدر، به اتهام روسپی گری، به انواع و اقسام اتهامات، تعمدا در کار است که خودشان را هرچه قسی تر، هرچه بی رحم تر نشان دهند. اینها برای مردم است که خط و نشان می کشند، می دانند که فلاکت اقتصادی و کمین کردن ها در درون خودشان، آینده پرتلاطمی را برایشان رقم زده است. پس می کشند تا مرعوب کنند: قتل، قتل، و باز هم قتل.

تهران در روزهای سرد بهمن ۶۷: برف سنگین، سرما، کمبود نفت، کمبود همه چیز، گرانی، ده سال حکومت جهل و جنایت بردوش مردم سنگینی می کند. گویی این همه کافی نیست: چشمها باور نمی کنند - اینها جنازه اند که آویزانند.
صحنه هایی هولناک از قساوت و ددمنشی آخوندها، شهر را آلوده کرده است. در چهار راهها و میادین، چوبه های دار برپاست به اسم قاچاقچی، جماعتی را اعدام کرده اند. کجا محاکمه شده اند، اتهام دقتشان چیست؟ دلایلش کدام است؟ معلوم نیست. وحشت بهت حکمفرماست. این هیولاهای کشتن سیر نمی شوند؟

می گویند مبارزه با اعتیاد است. اما این مبارزه با اعتیادشان، مگر می تواند اعتیاد ناشی از فلاکت میلیونی را که سرمنشا آن، خود این بساط فاسد و جنایتکار است، ذره ای تخفیف دهد؟ از این همه کشتار، تنها چیزی که می ماند، وحشت و ضربه ای هولناک به روان جامعه است: رقص جنازه ها در برابر دیدگان معصوم کودکان در

اینجا جمهوری اسلامی است مواظب باشید گذارتان به بیمارستان نیفتد!

دفتر چه بیمه را می بیند بالحنی بی اعتنا می گوید: "پنج ماه دیگه"
زن اصرار می کند، التماس می کند. همه چیز را می گوید، اما مسئول پذیرش انگار گوشش از این حرفها پر است:
- خانم والله دست من نیست. به من دستور می دن اگه از من می پرسن همین الان بیار حملش کنن ولی...
- پس من با این بچه چیکار کنم اگه فردا کور بشه و بمونه رودستم چی؟
- خب ببرش بیمارستان خصوصی
- بیمارستان خصوصی برای این حمل چقدر می گیرن؟
- بستگی داره. اگه آدم خوش انصافی باشه سی چهل هزار تومان
زن سرش گیج می رود تصور اینکه دخترش، دختر کوچکش کور شود دلش را می فشرد.
هر چه به مقرش فشار می آورد، بقیه در صفحه ۱۰

اگر یک کارگر، یک فرد زحمتکش و محروم و یا حتی یک نفر از خانواده ای متوسط الحال نیاز به مداوا در بیمارستان پیدا کند، چه سرنوشتی خواهد یافت؟ تصاویر زیر که برگرفته از یک گزارش مندرج در کیهان ۲۷ بهمن است، بطور عینی، به این سوال پاسخ می دهند:

"در که باز می شود گرمای آغشته به بوی الکل و بتئورید و داروهای مختلف دیگر توی صورتش می زند. دلهره ای که همیشه با وارد شدن به بیمارستان پیدا می کرد اینبار به شکلی دیگر همه وجودش را فرا می گیرد:
- اگه قبولش نکنن چی؟ اگه بازم بهانه ای بیان...
صدای پزشک در گوشش طنین می اندازد:
اگه چشم این بچه زودتر حمل نشه خطر داره...
کلمه خطر در ذهنش زنگ می زند.
مسئول پذیرش بیمارستان که

جهانیان یک بار دیگر به ماهیت ارتجاع مذهبی پی بردند

متأسف است و لازم بوده است که به احساسات مذهبی توجه بیشتری می کرد.

سلمان رشدی

به عنوان صدام حسین تازه

ماجرای سلمان رشدی به شکل برجسته خود، از پاکستان شروع شد. به تحریک مشتکی آخوند هوامفریب عده ای علیه کتاب "آیات شیطانی" تظاهرات کردند. تظاهرات به خشونت انجامید و پلیس پاکستان با دژخیم صفتی معمول خود بصورت مسلحانه به مقابله با تحریک شدگان برخاست و ۶ تن از آنان را کشت. دولت پاکستان بجای مقابله با محرکین این افشاش، که در واقع می خواستند شکست های سیاسی اخیر خود در این کشور را بپوشانند و موضوع تازه ای را برای هوامفریبی هلم کنند، طبق معمول پلیس خود را بجان عده ای قریب خورده ساده لوح انداخت.

خمینی پس از اطلاع از بلوایی که حول کتاب "آیات شیطانی" پیا شده، به فوریت تصمیم گرفت آتش بلوا را تیزتر کرده و در این زمینه نیز انگشت نداشت. بافتوای خمینی مبنی بر صدور مه دور الم بودن سلمان رشدی و نشر دهندگان کتاب وی، جهانیان یکبار دیگر به ماهیت ارتجاع مذهبی پی بردند. همه در شگفت ماندند که چگونه می توان در آستانه قرن بیست و یکم، از اعماق قرون وسطی خروش برآورد و تروریسمی و قبیح را در برابر آزادی قلم و بیان نهاد.

جمهوری اسلامی بنا به خصلت فاشیستی خود، همواره بدان نیاز دارد که فردی یا جریان را به اصطلاح دراز کند تا "امت مسلمان" مدام خود را در معرض تعدید و توطئه ببیند و از مذلتی که "امام" نصیب وی ساخته، غافل بماند. زمانی که همه فلاکتها به بهانه جنگ و "توطئه های صدام حسین کافر" توجیه می شد و از هفته پیش جای صدام حسین به سلمان رشدی سپرده شد. یک روز مملکت را تعطیل کردند و مشتکی تحریک شده ساده لوح را به خیابانها کشاندند تا شعارهای عده ای آخوند فریبکار را علیه سلمان رشدی، تکرار کنند. پس از فتوای خمینی همه دستگاه های تبلیغاتی رژیم حول این موضوع

در هفته گذشته خمینی فتوای قتل سلمان رشدی مولف رمانی با عنوان "آیات شیطانی" داد. بلافاصله سپاه پاسداران آمادگی خود را برای اجرای این فتوای اعلام کرد و امام جمعه ها و روسای بنیادها برای سر سلمان رشدی جایزه تعیین کردند. در ایران هزای عمومی اعلام شد و در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن حزب الله در شهرهای مختلف به راهپیمایی و دادن شعار علیه سلمان رشدی پرداخت. این موضوع در راس مسائل کشور قرار گرفت و جهان در شگفت ماند که چه شده است و این چه مهرک های است که بر سر یک کتاب برپا گردیده است.

سلمان رشدی کیست؟

سلمان رشدی یک نویسنده هندی تبار تبعه انگلستان است او در یک خانواده مسلمان در بمبئی متولد شده و اکنون ۴۱ سال دارد. رمانهای او از ۱۰ رزش ادبی بالایی برخوردار است، تاکنون جوایز ادبی مهمی نصیب او ساخته و بعضا تا ۲۵۰ هزار خواننده داشته اند. از وی دو رمان با عنوان "شرم" و "بچه های نیمه شب" به فارسی ترجمه شده است. رمان "شرم" برنده جایزه "نجر" شد و مترجم آن سال گذشته از دست سیدعلی خامنه ای، جایزه گرفت.

او رمان آیات شیطانی را در نوامبر سال گذشته انتشار داد. این رمان از برخی جهات به رمان "آخرین" و سوسه های مسیح اثر نیکوس کارانتز اکیس شباهت دارد که براساس آن فیلم مشهوری ساخته شده است. این رمان اثری است فانتزیک، که در آن تخیل نویسنده در قالب برخی حوادث و شخصیت های تاریخی از جمله شخصیت پیغمبر اسلام در می آید. نویسنده خود می گوید قصد توهین به باورهای مذهبی صادقانه مومنین مسلمان را نداشته و رمان وی اثری است ادبی و نه تاریخی، ایدئولوژیک و سیاسی. وی می گوید با سوء استفاده از مذهب و هوامفریبی مذهبی مخالف است و هدف وی در کتاب مقابله جویی با مذهب اسلام نبوده است او در شنبه ۲۹ بهمن ۱۸ فوریه) اعلام کرد که اگر از کتاب وی نوهی توهین به مقدسات اسلامی برداشت شده، به خاطر آن

بشدت مخالف گسترش روابط با جمهوری اسلامی است. خامنه ای در نماز جمعه هفته گذشته تهران، بشکل وقیحانه ای کوشید تا جایی که می تواند قضیه را تعدیل کرده و هذرخواهی سلمان رشدی را شرط لغو حکم اعدام او بگذارد.

افشاشگری ها

موضوع کتاب "آیات شیطانی" به یک موضوع روز تبدیل شده است. باید بر فعالیتهای افشاشگرانه بیفزاییم و جهانیان را مورد خطاب قرار دهیم که حال دریابید جمهوری اسلامی بر سر آزادی قلم و بیان و تشکل در خود ایران چه آورده است. بحق جنایتگری رژیم در قتل هام زندانیان سیاسی ایران، اکنون بسی برای جهانیان ملموس تر است. باید همه را به محکومیت بیشتر رژیم خمینی فراخوانیم. در این رابطه همچنین باید اذهان را متوجه باندهای تروریستی رژیم خمینی در خارج از کشور سازیم.

فتوای مه دور الم بودن سلمان رشدی

بسمه تعالی
انالله و انا الیه راجعون

به اطلاع مسلمانان قیور سراسر جهان می رسانم، مولف کتاب "آیات شیطانی" که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم، چاپ و منتشر شده است و ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان قیور می خواهم تا در هر نقطه آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه گفته شود شهید است انشاء الله. آنان که دسترسی به مولف کتاب دارند ولی خود قدرت اعدام او را ندارند، او را به مردم معرفی نمایند تا به جزای اعمالش برسند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی ۶۷/۱۱/۲۵

قابل ذکر است که انجمن های اسلامی باصطلاح دانشجویان در خارج از کشور - یکی از مراکز تجمع و تشکل آدمکشان خمینی است - اعلام کرده اند آماده اند فرمان امامشان برای قتل سلمان رشدی را به اجرا در آورند.

به اعتقاد ما وظیفه روز نویسندگان و هنرمندان تبعیدی ایرانی دفاع از سلمان رشدی است. دفاع آنان از این نویسنده، بازتاب وسیعی خواهد یافت. آنان لازم است اعلامیه های مشترکی صادر کرده و ضمن دفاع از سلمان رشدی، به تشریح جنایاتی که جمهوری اسلامی علیه نویسندگان و هنرمندان ایرانی مرتکب شده اند و آنچه که بر سر حق قلم و بیان آورده اند، بپردازند.

وزیر خارجه بلندسفر برنامه ریزی شده خود را به تهران لغو کرد. نویسندگان و هنرمندان در کشورهای مختلف به دفاع از سلمان رشدی پرداختند و خواهان برخورد قاطع تر دولتها با رژیم تروریست خمینی شدند. در آلمان فدرال اتحادیه نویسندگان از محافظه کاری یک شرکت انتشاراتی که از نشر کتاب "آیات شیطانی" خودداری ورزید، انتقاد کرده و اعلام کردند به شکلی جمعی ترجمه آلمانی این کتاب را نشر خواهند داد. هر روز مجامع ادبی و هنری، علیه خمینی اعلامیه صادر کرده و ارتجاع مذهبی را محکوم می کنند.

این بلوا برای خمینی ارزان تمام نشد. اکنون افکار عمومی در کشورهای مختلف - خاصه در اروپا -

«سلمان رشدی مرقد» جای «صدام حسین کافر»، را گرفت

بقیه از صفحه اول

دریابند که چگونه در سنه الف و ثلاث مائه و سبعة وستين (۱۳۶۷) از نو ظهور کرده است. اما این قضیه چندان مهم نیست. از هر برادرو خواهر حزب الهی که در هفته گذشته بدعوت جمهوری اسلامی کف برده‌ان علیه وی شعار می‌دادند، بپرسید که این سلمان رشدی کیست و این ملعون چه گفته و چه کرده است، پاسخی نخواهید شنید جز اینکه: اجرا باید گردد! اعدام باید گردد!

«مسلمان پاخیز

توهین به دین حق شده!

داده شد همه ارباب جماعت لبیک گفته و فریو برآوردند که اجرا باید گردد، اعدام باید گردد! دیگر همه خبرگان دانستند که چه کنند. فوراً ابعاد توطئه روشن شد و حتی عده‌ای از برادران معتقدند که خاموشی مکرر برق در تهران نیز، ناشی از اقدامات شیاطانی آن مغسد است. بی‌ناموسی‌های آن زندیق آنقدر زیاد است که کتابی که آورده، تنها جز کوچک‌ی از آنان را تشکیل می‌دهد. می‌گویند آن زندیق... و همچنین... اما استغفرالله زبانه‌ان لال شود حتی اگر جرات کنیم بگوییم که آن ملعون... خلاصه این که اجرا باید گردد، اعدام باید گردد!

بنیاد مبارزه با سلمان رشدی

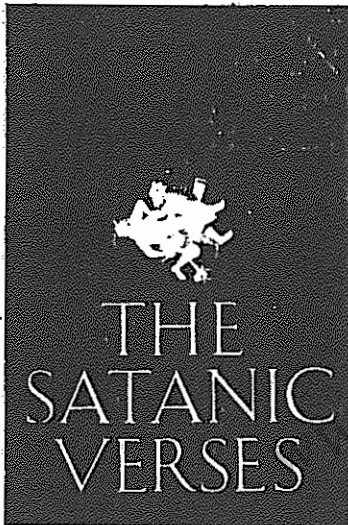
همه آیات عظام و حجج و ثقیق اسلام و ائمه جمه و جماعات و فضلا و طلاب حوزه‌های شریفه علمیه در هفته گذشته به حرکت در آمدند و غیرت اسلامی خود را به نمایش نبادند. حجت الاسلام صانعی رئیس بنیاد ۱۵ خرداد یک میلیون دلار برای سر سلمان رشدی ملعون جایزه تعیین کرد. تلویزیون اسلام در لیل ۹ رجب (۵شنبه هفته گذشته) برنامه‌های هادی خود را قطع کرد و این خبر را به سمع امت اسلام رسانید. پس از وی ائمه جمعه در سرتاسر مملکت اسلام بر میزان این جایزه افزودند و هریک از ۲۰ هزار تومان تا ۱۰۰ هزار تومان بذل این جهاد مقدس کردند. برادران تصمیم‌دارند در کنار بنیاد ۱۵ خرداد و بنیاد مستضعفان بنیاد تازه‌ای به اسم بنیاد مبارزه با سلمان رشدی ایجاد کنند و به همین منظور حساب ویژه‌ای افتتاح کرده‌اند تا همه امت مسلمان وجوه مربوطه را بدان حساب واریز کنند. اجر همگی محفوظ است امام خود شفیع آنان خواهند بود. اگر دارید یک میلیون دلار و اگر ندارید ۲۰ هزار تومان بدین حساب بریزید تا یک در دنیا و صد در آخرت نصیب‌تان شود و جهان کفر بفهمد که وقتی امت به فرمان امام می‌گوید «اجرا باید گردد، اعدام باید گردد» یعنی چه.

توطئه پس از توطئه

اما برادران، بهوش باشید که

نشان دهد که اسلام مخالف آزادی قلم و بیان نیست.

ایشان در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته تبران خطاب به شیاطین شرق و غرب فرمودند شما که با داهیه دفاع از آزادی بیان به دفاع از سلمان رشدی کافر پرداخته‌اید، چرا در نظر نمی‌گیرید که امام عظیم الشان ما هم حق داشته‌اند بیاناتی را ایراد فرموده و در مورد آن ملعون اظهار نظری بفرمایند. امت حاضر در صحنه نماز جمعه چنان از این منطق اسلامی شگفت زده شد و به وجد آمد که همه با صلابت تمام فریاد برآوردند: اجرا باید گردد! اعدام باید گردد!



روی جلد
کتاب
آیات شیاطانی

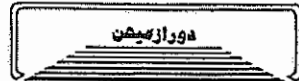
یافت و توسط کانال دوم تلویزیون گزارش شد.

مسئولان سازمان ملل در نتیجه تحصن پناهندگان ایرانی ناچار به دادن وعده‌هایی برای بهبود وضع آنها شده‌اند.

اعتصاب غذای

پناهندگان در سوئد

در ماه گذشته قریب ۵۰ تن از پناهندگان سیاسی که در سوئد در کمپ موفورش اسکان داده شده‌اند، دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب در اعتراض به تصمیم مقامات دولتی و انتظامی سوئد مبنی بر اخراج عده‌ای از پناهندگان، سازمان داده شد. مسئولین سوئدی پیش از برپایی این اعتصاب در صدد بودند تمامی اعضای یک خانواده ایرانی متقاضی پناهندگی و یک پناهنده دیگر را از سوئد اخراج کنند.



تحصن پناهندگان ایرانی در یونان

در روز دهم ژانویه، ده نفر از پناهندگان ایرانی مقیم یونان برای رسیدگی به خواستهای خود از سوی سازمان ملل و به نمایندگی از سوی همه پناهندگان دست به تحصن در مقابل دفتر سازمان ملل در آتن زدند. خواستهای تحصن عبارت بود از: دادن کارت پناهندگی به همه متقاضیان، ارسال سریع تر پذیرفته‌شدگان به کانادا، آمریکا و استرالیا، بهبود شرایط زندگی پناهندگان، تازمانی کم‌دن یونان به سر می‌برند و از جمله، صدور اجازه کار برای آنها.

حرکت پناهندگان ایرانی در همه روزنامه‌های یونان بصورت گزارش‌هایی همراه با عکس بازتاب

توافق‌های نخست وزیران ایران و ترکیه

روزهای چهارشنبه ۲۶ بهمن تا جمعه ۲۹ بهمن، تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه در آنکارا میزبان میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی بود. در این سفر آتازاده وزیر نفت، معیری معاون سیاسی نخست‌وزیر، بشارتی قائم‌مقام وزیر امور خارجه، نبوی وزیر صنایع سنگین و معاونان برخی دیگر از وزارتخانه‌ها همراه موسوی بودند. در پایان دیدار سه‌روزه موسوی از ترکیه که در چارچوب همکاری‌های تجاری و اقتصادی دو کشور صورت گرفت، پروتکل مشترکی توسط توگورت اوزال و موسوی امضا شد. بر اساس یادداشت تفاهم، حجم مبادلات تجاری طرفین برای سال جاری میلادی، ۲ میلیارد دلار تعیین شد. در این پروتکل نیز مثل قراردادهای سابق، مبلغی برای خرید کالاهای غیرنفتی ایران از سوی تجار ترک اختصاص یافته است. حجم عظیم قرارداد به مبادلات کالاهای مصرفی، نیمه‌مصرفی، نفت و خرید نفت سفید و مواد نفتی پالایشگاه‌های ترکیه توسط ایران اختصاص داده شده است.

ارزیابی مبادلات تجاری طرفین در سال ۸۷ و ۸۸ میلادی حاکی است که در هر دوره بخش مربوط به خرید کالاهای غیرنفتی ایران توسط ترکیه حتی تا ۲۵ درصد حجم مقرر نیز تحقق نیافته مبادلات یکطرفه صورت گرفته است.

یوسف اوزال وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه، خرید کالاهای غیرنفتی ایران را مشروط به افزایش سهم فعالیت شرکت‌های ترکیه در ایران ساخت و پس از گفتگو با بهزاد نبوی اعلام کرد: «در صورت موافقت ایران، شرکت‌های ساختمانی ترکیه حاضر ندر مقابل آرایه خدمات همرانی از ایران کالاهای غیرنفتی وارد کنند».

طبق اظهارات موسوی در هفتمین نشست اقتصادی، بار دیگر پیرامون خط‌لوله گاز ایران به ترکیه، انتقال گاز ایران به اروپا مذاکره شد. نتایج گفتگو در این زمینه هنوز انتشار نیافته است.

در بخش سیاسی گفتگوهای نخست‌وزیران جمهوری اسلامی و ترکیه، ادامه مذاکرات ایران و عراق، کردستان، مسایل منطقه و به‌ویژه افغانستان، روابط ایران با آمریکا و کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، روابط ایران و عربستان و حضور ایرانیان مخالف رژیم در ترکیه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در زمینه اعمال فشار و جلوگیری از حضور و تحرک مخالفین رژیم جمهوری اسلامی در ترکیه، توافق‌های به‌عمل آمده توسط وزرای کشور ایران و ترکیه، تأیید شد. موسوی در بازگشت از ترکیه، روز جمعه در فرودگاه تبریز، گفتگوها و توافق نخست‌وزیران دو کشور علیه پناهندگان ایرانی در ترکیه را با این جمله تأیید کرد و گفت: «فعالیت‌های ضدانقلاب در ترکیه با مقامات این کشور مطرح شد که مقامات این کشور رسماً مخالفت خود را با حرکت‌های ضدانقلاب در این کشور اعلام کرده و عنوان نمودند که از این حرکت‌ها در ترکیه جلوگیری به عمل خواهد آمد».

آتازاده: ایران ۳ میلیارد دلار وام می‌گیرد

بگیرد بحث‌هایی در ایران جریان دارد و مادر حال حاضر تصمیم گرفته‌ایم سروسامان دادن به بازسازی اقتصادی ایران را در اولویت قرار دهیم».

آتازاده یک هفته بعد از انتشار مصاحبه وی در مطبوعات چاپ تهران، با ارسال نامه‌ای به روزنامه‌های دولتی، اخبار مندرج در نیویورک تایمز را با این عنوان که در کشور برای اخذ وام زمینه مساعدی وجود ندارد، تکذیب کرد.

تعیین نام بنیاد مستضعفان به بنیاد امور جانبازان

مجروحین و سایر شرکت‌کنندگان در جنگ ۸ ساله با خانواده کشته‌شدگان در جنگ شکل گرفت و قرار شد خانواده «شهدا» تحت سرپرستی کربوبی باشد و ریاست بنیاد امور جانبازان با نخست‌وزیر.

انتقال بنیاد مستضعفان امکانات مالی تازه‌ای برای دولت فراهم خواهد ساخت. یکی از نمایندگان مجلس هفته اول بهمن ماه با اشاره به بودجه سرسام‌آور بنیاد و املاک و صنایع تحت تملک بنیاد پیشنهاد کرده بود که اگر «بنیاد» برای حل مشکل کسری بودجه دولت کمک نکند، بهتر است که منحل شود.

به گزارش فرانس پرس، فلامرضا آتازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «نیویورک تایمز» اظهار کرد «کشور تصمیم گرفته برای بازسازی اقتصاد که در اثر هشت سال جنگ با عراق ویران شده است از بانک‌های خارجی وام بگیرد».

طبق گزارش فرانس پرس، آتازاده تصریح کرد که «ایران حداکثر طی پنج سال آینده ۳ میلیارد دلار وام خواهد گرفت». وزیر نفت افزود: «در باره اینکه کشور باید از نو وام‌هایی از خارج

با موافقت خمینی و بنا به درخواست میرحسین موسوی نام بنیاد مستضعفان به بنیاد امور جانبازان تغییر یافت و اداره امور آن در اختیار موسوی قرار گرفت. با انتقال اموال و امور بنیاد مستضعفان به سازمان جانبازان که سرپرستی آن برعهده موسوی نخست‌وزیر است، کلیه دارایی‌های بنیاد که بیش از ۸ میلیارد تومان می‌باشد، در چارچوب فرامین خمینی به منظور تأمین اهداف سازمان جانبازان هزینه خواهد شد.

بنیاد امور جانبازان چندی پیش به دستور خمینی به منظور جدا کردن معلولین،

در سیستان و بلوچستان برای هر ۶۵۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد

همپای فقر اقتصادی منطقه کسرتش یافته است. طبق آمار، تعداد کل پزشکان متخصص سیستان و بلوچستان ۲۵ نفر است. مدیر عامل سازمان بهداشت و درمان استان، افزود «بهداشت مردم این منطقه بسیار ضعیف است و در این ده سال فرهنگ بهداشتی رشدی نداشته بلکه رکود هم داشته است... علت آن هم اعتیاد مردم و فقر و نداشتن امکانات بهداشتی است... در مورد تعداد درمانگاه‌ها، اکثر روستاها و دهستان‌های ما درمانگاه ندارند و در این خصوص ما هم کمبود احساس می‌کنیم ولی به علت نداشتن اعتبار به اندازه کافی نتوانسته‌ایم درمانگاه بسازیم. در امسال هیچ‌کاری در این خصوص انجام نشده» است.

در استان سیستان و بلوچستان به طور متوسط برای هر ۶۵ هزار نفر یک دکتر متخصص و برای هر هزار و ششصد نفر یک تخت بیمارستانی وجود دارد.

دکتر شریاری مدیر عامل سازمان بهداشت درمان و آموزش پزشکی استان، ضمن اظهار آمار شمار پزشکان سیستان و بلوچستان، توضیح داد که طرح خودکفایی بهداشتی در این منطقه فشار مضاعفی بر دوش روستائیان محروم و بی بضاعت است و آنان قادر به تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی نیستند. بر اساس طرح خودکفایی اعتبارات دولتی قطع شد و از سال ۶۶ دولت هیچ‌گونه بودجه بهداشتی برای منطقه اختصاص نداده است و به همین سبب فقر بهداشتی

نامه «نهضت آزادی» به خامنه‌ای

«قسمت‌هایی از آئین نامه اجرایی به دلیل مبادی آشکار با قانون احزاب اعتراض دارد. روز یکشنبه ۲۳ بهمن در تهران از سوی «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» مصاحبه مطبوعاتی ترتیب یافت و نماینده «جمعیت» در این مصاحبه به خبرنگاران روزنامه‌های چاپ تهران اظهار داشت: جمهوری اسلامی باید امکانات فعالیت سیاسی احزابی را که قصد براندازی ندارند، در چارچوب قانون اساسی فراهم سازد.

دو روز بعد از گفتگوی مطبوعاتی نماینده «نهضت آزادی»، وزیر اطلاعات اعلام داشت: «در صورتی که نهضت آزادی از وزارت کشور مجوز قانونی بگیرد در چارچوب قانون احزاب می‌تواند فعالیت حزبی داشته باشد».

مهدی بازرگان رهبر «نهضت آزادی ایران» روز چهارشنبه ۱۹ بهمن با ارسال نامه‌ای به خامنه‌ای، ضمن اشاره به اعمال رژیم در قبال «نهضت آزادی»، خواستار امکانات بیشتر برای فعالیت سیاسی شد. مهدی بازرگان در نامه خود به خامنه‌ای در زمینه اجازه فعالیت سیاسی اپوزیسیون قانونی نوشت: «نهضت آزادی ایران که همواره مدافع قانون و مصر به اجرای صحیح آن بوده و می‌خواسته قانون احزاب به مورد عمل گذاره شود، از سیاست و دعوت اخیر وزارت کشور استقبال کرده و تابه حال دوبار برای دریافت توضیحات لازم و اوراق ثبت نام مراجعه کرده است. امیدواریم به زودی آنها را تکمیل و تسلیم کنیم» در این نامه تأکید شده است که «نهضت آزادی ایران» به

از تیرباران خسرو گلسترخی و کرامت دانشیان، هنرمندان مردمی و انقلابی، به دست دژ خیانت شاه جانی ۱۵ سال گذشت. در روز ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۲ بود که این دو فرزند دلاور مردم، پس از دفاع جانانه از آرمانهای انقلابی و انشای رژیم سرسپرده شاه در بیدادگاه ارتش، در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند. دفاهیات شورانگیز گلسترخی و دانشیان - که رژیم شاه ناگزیر به انتشار آنها از رسانه ها گردیده بود - تاثیر آگاهی بخش و تمهید گر ریزی بر جا گذاشت. با اعلام خبر اعدام این دو هنرمند مبارز، قلب میلیون ها تن از مردم ایران سرشار از خشم و اندوه گردید. دانشیان و گلسترخی برای همیشه در قلب و یاد مردم جاودانه شدند.

فردا

شب که می آید می گوید پست در را
به خودم می گویم:

من همین فردا

کاری خواهم کرد

کاری کارستان

و به انبار کتان فقر کبریتی خواهم زد

تا همه،

نارقیان من و تو بگویند:

«فلانی سایه اش سنگینه

پولش از بارو بالا میره»

و در آن لحظه من مرد پیروزی خواهم بود

و همه مردم، با فداکاری یک بو تیمار

کار و نان خود را در دریا می ریزند

تا که جشن شفق سرخ مرا،

با زلال خون صادقان

بر فراز شهر آذین بندند

و به دور نامش مثل ها بفرزند

و بگویند:

«خسرو» از خود ماست

پیروزی او در پست پیروزی ماست

و در این هنگام است

و در این هنگام است

که بمادر خواهم گفت:

«غیر از آن یخچال و میل و ماشین

چه نشستی، دل، غافل، مادر

خوشبختی، خوشحالی این است

که من و تو،

میان قلب با مهر مردم باشیم

و به دنیانوری دیگر بخشیم

شب که می آید می گوید پست در را

به خودم می گویم:

من همین فردا

به رفیقانم که همه از هریانی می گردند

خواهم گفت:

گر به کار ابرست

من و تو با انگشتی چون شمشیر

من و تو با حرفی چون باروت

به هریانی پایان بخشیم

و به گوئیم، به دنیا به فریاد بلند

عاقبت دیدید ما صاحب خورشید شدیم

و در این هنگام است

و در این هنگام است

که همان بوسه ی تو خواهم بود

کز سرمه به خورشید دهی

و منم شاد از این پیروزی

به «حمیده» روسری خواهم داد

تا که از باد جدایی نهراسد

و نگردد چه هوای سردی ست

حبیب شد مویم را کوتاه کردم

شب که می آید می گوید پست در را

به خودم می گویم:

ما همین فردا

کاری خواهیم کرد

کاری کارستان

خسرو گلسترخی

* روز سه شنبه ۱۹ بهمن هیاتی به سرپرستی محمد جواد لاریجانی معاون اروپا و آمریکا ی وزارت امور خارجه راهی بلگراد شد تا مقدمات سفر آتی خامنه ای را به یوکسلاوی فراهم سازد. اعضای هیات همراه لاریجانی از دفتر ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه بودند.

قبلا قرار بود خامنه ای به منظور دیدار با کورت والداهیم رئیس جمهور اتریش، روز سوم اسفند (۲۲ فوریه) به وین سفر کند. از اظهارات سخنگوی اداره مطبوعاتی وزارت امور خارجه اتریش برمی آید که در اتریش با ورود خامنه ای به این کشور مخالفت شده است. وی در گفتگوی مطبوعاتی اعلام داشت که وزیر امور خارجه اتریش در خرداد سال آینده به تهران سفر خواهد کرد و توسط وی مذاکرات برای همکاری میان ایران و اتریش انجام خواهد شد.

* روز چهارشنبه هفته جاری نخستین کمیسیون مشترک نظامی ایران و عراق در

در سازمان حج و زیارت، اعلام کرد جمهوری اسلامی امسال تعداد بیشتری زائر به مکه اعزام می کند، کروی اظهاری امیدواری کرد که مقامات عربستان با اعزام ۱۵۰ هزار زائر ایرانی به مکه موافقت کنند. سرپرست حجاج تصریح کرد که تصمیم نهایی پیرامون موضوع اعزام حجاج و تعداد آنان با خمینی است. سال گذشته به دستور خمینی از اعزام زائران ایران به مکه خودداری شد. گفتگوهای ایران و عربستان سعودی، طبق اظهارات خلخالی رئیس کمیسیون وزارت امور خارجه مجلس و ولایتی به طور مستقیم و غیر مستقیم ادامه دارد.

* رئیس کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی اعلام کرد لایحه تصویب قانون جدید کار اوایل سال آینده اعلام و به تدریج به مرحله اجرا گذاشته می شود. این قانون هم اکنون در اختیار «مجمع تشخیص مصلحت نظام» قرار دارد و اعضای شورای نگهبان و نمایندگان مجلس بر سر برخی مواد و تبصره های آن اختلاف نظر دارند.

منطقه مرزی قصر شیرین تشکیل خواهد شد. در این کمیسیون ۱۰ افسر نظامی از سوی طرفین شرکت خواهند کرد. کمیسیون زیر نظر سازمان ملل تشکیل می شود. هفته گذشته ۲۶ تن از اسرای معلول و مجروح عراقی، به بغداد اعزام شدند. تاکنون ایران و عراق برای از بین بست خارج کردن مذاکرات آزادی اسرای جنگی اقدامی نکرده اند.

* به دستور صدام از این پس هواپیماهای مسافری ایرانی می توانند از فراز خاک عراق عبور کنند. دستور صدام به درخواست سازمان هواپیمایی جهانی و دبیرکل سازمان ملل به منظور کمک به روابط دو کشور صادر شد.

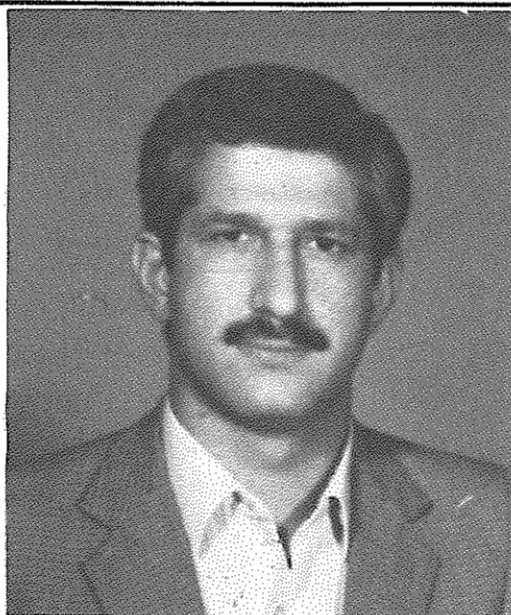
* محمد موحدی کرمانی نماینده خمینی و سرپرست سازمان همدستی - سیاسی شیربانی کل کشور از سمت خود استعفا داد. به حکم خمینی حجت الاسلام منتجب نیا نماینده مجلس شورای اسلامی به جای موحدی کرمانی، منصوب شد. * کروی سرپرست حجاج و نماینده خمینی

فدائی شهید**

حمید منتظری

عضو مشاور

کمیته مرکزی سازمان



بگشاید. جایگاهش در سنگر مبارزه نیروهای انقلابی به سالهای دور بر میگردد. سالهای سیاه ستمشاهی. سالهای بد. سالهای خون و شکنجه. در راه مبارزه برای برچیدن بساط بدیها، ستمکاریها و ساختن ایرانی آزاد و آباد، زخم تازیانههای بسیاری را به جان خرید و شبهای وحشتزای شکنجهگاههای رژیم ترور و اختناق را با وفاداری به مردم و با ایمان به روزهای پیروز، بهروز آورد. با اوجگیری مبارزات مردم از زندان آزاد شد. در روزهای قیام، حمید دوشادوش و پیشاپیش مردم است. دستاورد سالها مبارزه رزم جویانه را در اختیار آنان میگذارد و با آنها در خیابانها، در کوچههای تهران، سنگرهای نبرد نهایی را برپا می‌دارد. شور و شیدایی او در این روزها تماشایی است.

جانست بیقرار که در انتظار بهار است. در حنجره بی‌تاب اوست که آواز انقلاب رستار به‌گوش می‌رسد.

سرانجام، "زنگ بزرگ خون به صدا در می‌آید" و بهار آزادی در همه جا بال می‌گشاید اما گلخنده بهار، دیری نمی‌پاید که پیام‌آور آن چهل و مرگ از راه می‌رسند و تاراج شادمانی مردم را کمر می‌بندند.

چه کسی زندگی را شادمان می‌خواهد؟ آن که اندویش بیشتر است. چه کسی می‌خواهد دانه‌های شفاف عشق را بینشاند؟ آن که ناکامی را شناخته است. و چه کسی آزادی را بشارت می‌دهد؟ آن که یک سینه سخن دارد و تنگنای قفس را می‌شناسد.

پس دردمندان و عاشقان، به میدان کارزار درمی‌آیند تا چهره روزگار را دیگرگون کنند و راز جاودانگی انسان را با ما در میان نهند.

بدینگونه او با جانی بیقرار، دیگر بار، پایه‌هر صه کارزار می‌گذارد تا "زیبایی، دست مهربانی" را بگیرد، "نان به تساوی تقسیم شود" و "هر انسان برای هر انسان، برادری" گردد و عشق، تنها عشق، برای زیستن بس باشد. او عشق را همان نیکبختی واقعی، همان سعادت متعالی می‌شناسد که نه تنها تاریکی‌ها را از میان برمی‌دارد و وحشت و هراس مرگ را از دل می‌زداید و نابود می‌سازد بلکه انسان را به‌ایثار خود در راه دیگران سوق می‌دهد.

نام "سیاوش" را بر خود می‌نهد چرا که می‌داند گذشتن از آتش

نه...
باور نمی‌کنم
این شعله شگفته
زیبارا
در دستهای مرگ

ستاره‌یی فروزان، در کهکشان آرزو فرو نرسد. بهاری شکوفه‌بار، در گذار راهزنان خزان نشست. در خستی شکوهمند، آواز پر طراوت خود را به خاک‌ها و خاطره‌ها بخشید. او تا آخرین لحظات زندگی پربار خود در کنار مردم ایستاد. با مردم زیست و با آرمان‌های تابناک مردم به مبارزه‌ای بی‌امان و رویارو با تاریک‌اندیشان زمان برخاست. با قامتی به بلندی آرزوهای ما، با حنجره‌یی سرشار از سرود شکستن از راه در رسید تا با تمام تپش‌های سبز و تازه‌اش بر سر می‌جوانه سوز زمستان، بر لطمه‌های زرد خزان راه بندد و شور و شوق باز زایی را بر گستره جان آرزومندان بینشاند. آری، آنجا که ضرورت تاریخ فرا می‌رسد زنگ‌ها به صدا در می‌آیند و آنانیکه سری پر شور از اندیشیدن و دلی گرم از تپیدن دارند آوازی از نهان جای جانفشان طنین بر می‌دارد که: هان برخیز! برخیز و شوری تازه برگستره زیبایی هستی برانگیز!

در پاسخ به چنین ضرورتی بود که او برخاست تا در تاریکی این "شعبه متفور، راهی به سوی نور"

تعمیل سوزان حمید به جوشیدن و درهم آمیختن با توده‌های مردم موجب شد که در اواخر سال ۵۹ دوباره به صفوف سازمان بپیوندد.

به زودی به عنوان یکی از اعضای کمیته ایالتی تهران انتخاب شد و مسئولیت سازمانی کمیته ناحیه کرج را به عهده گرفت.

با تهاجم همه جانبه رژیم فتنه‌ها به صفوف سازمان، حمید از جمله کادرهای مسئول سازمان بود که برای دفاع از موجودیت و ادامه کاری سازمان خویش سینه خود را سپر نمود و در آن روزهای دشوار تمامی توانایی، تجربه و انرژی خویش را به کار گرفت تا شرایط را برای انتقال تشکیلات سازمان از حالت نیمه‌هلنی به حالت مخفی فراهم آورد. این دوره از زندگی و فعالیت مبارزاتی حمید را به درستی می‌توان اوج فداکاری، خلافت و تحرک وی دانست.

حمید به مسئولیت سازماندهی و رهبری یکی از گروه‌های مرکزی سازمان را طی این سالها برعهده داشت با تلاش شبانه‌روزی خویش سعی در گسترش دامنه فعالیت و حضور سازمان در جامعه و سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان داشت.

حمید منتظری، به پاس خدمات و فداکاری‌هایش در پلنوم وسیع فروردین ۶۵ سازمان به عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب شد.

از حمید که در خرداد ماه ۶۵ ازدواج کرده بود ۲ فرزند به یادگار مانده است، شکوفه و امید. پادشاه جاودان و راهش پر دوام باد ●

رفیق حمید منتظری، انقلابی سرشناس و عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به دست فتنهای جنایت پیشه به شهادت رسید.

حمید در شهر بم به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهرستان به پایان رساند. سپس وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. سر پر شور و روح بی‌قرار او را سودای دیگری بود. برای حمید که از سال‌های دبیرستان تحت تاثیر جنبش فدائیان خلق پا در میدان مبارزه در راه رهایی زحمتکشان نهاده بود، دانشگاه به مثابه میدانی برای گسترش فعالیت سیاسی و کشف راهها و امکانات نوین مبارزه بود. تحصیلات دانشگاهی حمید دیری نپایید و توسط ساواک دستگیر شد.

حمید از مایش ساواک را با سر بلندی پشت سر گذاشت و از چهره‌های مقاوم زندان شمرده می‌شد. او همراه با اوجگیری جنبش انقلابی مردم از زندان آزاد شد و به دریای بیکران جنبش انقلابی خلق پیوست. در سازماندهی تظاهرات توده‌های مردم بر علیه رژیم شاه نقش فعالی داشت و از جمله شرکت کنندگان فعال قیام مسلحانه خلق در بهمن ماه ۵۷ بود.

بعد از سرنگونی رژیم شاه، حمید که به نقش کلیدی حضور مستقیم توده‌های زحمت و کار در مبارزه واقف بود، از موضع نقد "مشی چریکی" به جریانی پیوست که بعدها سازمان "راه کارگر" را به وجود آورد و تا سال ۵۹ مبارزه انقلابی خویش را در صفوف این سازمان پی گرفت. اما

فهرست اسامی گروهی دیگر از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

- ۶۵۵- مظاهر آزادآبکناری (سازمان مجاهدین خلق)
۶۵۶- رحیم ابراهیمی
۶۵۷- حسن ابراهیمی (اهل مهاباد)
۶۵۸- خالد ابراهیمی (اعدام شده در سنج)
۶۵۹- رفوف احمدی (حزب دمکرات کردستان)
۶۱۰- اسماعیل ارشدی (اعدام شده در سنج)
۶۱۱- علی باقری
۶۱۲- موری بهشتی
۶۱۳- ایرج بیری
۶۱۴- مسعود بیری
۶۱۵- فرزانه بیری و همسرش
۶۱۷- اصغر بشغوری
۶۱۸- جسیم بیراک (اعدام شده در زندان سنج)
۶۱۹- مریم پور تنگستانی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۶۲۰- صابر پور سفیر آبکناری
۶۲۱- بوئن تشاری (حزب دمکرات کردستان)
۶۲۲- اسد تیتاخ (اعدام شده در سنج)
۶۲۳- شمس الدین تینی (حزب دمکرات کردستان)
۶۲۴- حاجی (اعدام شده در زندان ارومیه)
۶۲۵- جمال حسینی (حزب دمکرات کردستان)
۶۲۶- سیدناضل حسینی (اعدام شده در سنج)
۶۲۷- هور خاللی (اعدام شده در زندان ارومیه)
۶۲۸- ملیحه خوش سلیقه
۶۲۹- دکتر دارابی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۳۰- آرامیس در نیاز
۶۳۱- نعمت دست آموز (اعدام شده در سنج)
۶۳۲- مصطفی دمکری (حزب دمکرات کردستان)
۶۳۳- ابراهیم فرزند رسول (اهل بانه)
۶۳۴- رمضان (حزب توده ایران)
۶۳۵- کریم سقزی (حزب دمکرات کردستان)
۶۳۶- حامد سلیمانپور
۶۳۷- فرهاد سلیمانی (سازمان چریک های فدایی خلق - اقلیت)
۶۳۸- رستم سور (حزب دمکرات کردستان)
۶۳۹- شهریار شریعتی (حزب دمکرات کردستان)
۶۴۰- اسماعیل شجریان
۶۴۱- رضا مهریانی
۶۴۲- مصطفی صادقی (حزب رنجبران)
۶۴۳- دکتر سیروس صارمی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۴۴- شریف صالحی (اعدام شده در منطقه بانه)
۶۴۵- سیدناضال صلواتی (حزب دمکرات کردستان)
۶۴۶- علی شریف طبرستانی و برادرش (سازمان مجاهدین خلق)
۶۴۷- دکتر طیبی نژاد (سازمان مجاهدین خلق)
۶۴۸- مصطفی مابدینی آبکناری
۶۴۹- عبه هارف (حزب دمکرات کردستان)
۶۵۰- رسول عبیدی (اعدام شده در زندان سنج)
۶۵۱- کریم فتحی (حزب دمکرات کردستان ایران)
۶۵۲- حسن فرقاتیان آبکناری (سازمان چریک های فدایی خلق - اقلیت)
۶۵۳- رستم قوامی (اعدام شده در زندان سنج)
۶۵۴- جمشید کامران (حزب دمکرات کردستان ایران)
۶۵۵- اسدالله کشاورز (سازمان چریک های فدایی خلق - اقلیت)
۶۵۶- هادی کیازاده آبکناری (سازمان مجاهدین خلق)
۶۵۷- ستار کیانی (سازمان فدائیان خلق ایران - ۱۶ آذر)
۶۵۸- محمدلاریجانی (حزب دمکرات کردستان)
۶۵۹- حسین مارفی (حزب دمکرات کردستان)
۶۶۰- محبی
۶۶۱- محمدنجیب محمدی (حزب دمکرات کردستان)
۶۶۲- سعیدملکی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۶۳- مجیدملکی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۶۴- کریم ملکی (اعدام شده در سنج)
۶۶۵- دکتر میثاقیم (سازمان مجاهدین خلق)
۶۶۶- حمید میر سعیدی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۶۷- ابراهیم نجاران (راه کارگر)
۶۶۸- محمدنجیمی (اعدام شده در سنج)
۶۶۹- حمید وثوق آبکناری (سازمان مجاهدین خلق)
۶۷۰- شایسته وطن دوست
۶۷۱- سهیلا همجوار (حزب توده ایران)
۶۷۲- پیروز همجوار (حزب توده ایران)
۶۷۳- فریده هندیجانی (سازمان چریک های فدایی خلق - اقلیت)
۶۷۴- کیانوش یآوری آبکناری (سازمان مجاهدین خلق)
۶۷۵- کمال یوسفی (حزب دمکرات کردستان ایران)

است. باید همه جا از طرف بشریت مترقی و سازمان های حقوق بشر، رژیم خمینی را در برابر این سؤال قرار داد که بر سر هزاران زندانی سیاسی به بند کشیده شده در زندان های جمهوری اسلامی چه آمده است؟



نمی توان یافت و اینک این جنایتکاران از آزادی زندانیان سیاسی سخن می گویند. شواهدی نیز بر آزاد شدن هدهای از زندانیان در دست است. جمهوری اسلامی در این زمینه توطئه چندگانه ای را دنبال می کند که باید باتمام قدرت افشا شود.

رژیم می کوشد آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی که خود چیزی جز واپس نشینی ناگزیر در برابر اعمال اراده بشریت بر این حکومت قرون وسطایی نیست را حائلی در برابر قتل عام زندانیان سیاسی کند. باید این پرده را درید و همه جا دستان خونین جلادان حاکم را بدیده جهانیان آورد.

وزیر اطلاعات رژیم تعداد زندانیان سیاسی را ۳۵۰۰ نفر اعلام کرد. اعلام این رقم هم ابعاد کشتار چندماهه اخیر زندانیان سیاسی را نشان می دهد و هم هشداری نسبت به اعدام های تازه

آزادی گروهی از زندانیان سیاسی برای پوشاندن کوه اجساد اعدام شدگان

بقیه از صفحه اول
مسئولیت
مستقیم کشتار همگانی زندانیان سیاسی را برعهده دارد و تصمیم نهایی در مورد فجیع ترین و ضدانسانی ترین جنایت دهه های اخیر را اتخاذ کرده است، به اطلاع مردم رساندیم. متمم و جانی شماره یک در این هیات ۱۳ نفره شخص روح الله خمینی است. خمینی که وزیر ساواکش در مورد مهر و مظلوفت او داد سخن می دهد، با همیاری رفسنجانی و خامنه ای و مشکینی و دیگر جنایتکارانی که "بوی امام" از آنان ساطع است جنایتی را مرتکب شدند که در تاریخ سه، چهار دهه اخیر جهان نظیری برای آن

بیگار این بار دشوارتر است. باری، جلادان جمهوری، آزموده را دیگر بار در مسلخ خونین خود می آزمایند. نردی سهمگین تر آغاز می شود. قامت یک حماسه در برابر رذالت های زمانه، همچنان می ایستد. اندیشه ها، عشق، هشق ها، کینه و تپیدن ها فریاد می گردد تا بنیاد تبهاران زمان را فروریزد. دشمن، از زنده او بیمناک است از این رو قلب شقیقه اش را به رگبار آتش می سپارد. اما نمیداند فریاد و یاد ارجمندی همواره در ما، در جان زمان، چونان باقی سرشار، گل می دهد و به بار می نشیند زیرا آنکه به بهای زندگی خود، حقیقت زمانش را واقعیت می بخشد دیگر مرگ، سرچشمه هدم نیست جویباری ست که در دیگران جریان می یابد بویژه اگر این مرگ، ارمغان ستمکاران باشد

بقیه از صفحه آخر

افغانستان: پایان حضور نظامی شوروی

نمی‌تواند بدون توجه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعنوان "بزرگترین و متشکل‌ترین نیروی جامعه افغانستان" تحقق پذیرد. در این تفسیر آمده است اتحاد شوروی به این میراث لنین که کشور شوراهای همواره نزدیک‌ترین دوست افغانستان باقی بماند، وفادار خواهد ماند.

دولت افغانستان در بیانیه‌ای که روز پنجشنبه انتشار یافت، یادآور شد که پاکستان و ایالات متحده، تعهدات خود در قرارداد ژنو را نقض می‌کنند. این بیانیه به پاکستان در مورد هواقتب خطرناک ادامه مداخله در امور داخلی افغانستان هشدار داده است. بیانیه دولت افغانستان می‌افزاید نقض قراردادهای ژنو از سوی پاکستان و آمریکا به حدی فاحش است که اتحاد شوروی را نیز از تعهدات خود معاف می‌کند، اما با این حال تصمیم گرفته شد خروج نیروهای شوروی در چارچوب زمان بندی مورد توافق، صورت پذیرد تا صداقت و وفاداری اتحاد شوروی و افغانستان به قرارداد، یکبار دیگر اثبات شود. بیانیه دولت افغانستان تاکید کرده است هرکس پس از خروج نیروهای شوروی، دچار توهمات نادرست درباره افغانستان است، باید بداند که جمهوری افغانستان محق است از همه تدابیر دفاعی بهره‌گیرد. این بیانیه می‌افزاید در خاک پاکستان هنوز صدها اردوگاه و انبار اسلحه متعلق به ضدانقلابیون افغانی وجود دارد که طبق قرارداد ژنو می‌بایست تاکنون برچیده شده باشد. در بیانیه دولت افغانستان آمده است ایالات متحده نه تنها به وظیفه خود بعنوان ضامن قرارداد عمل نکرده، بلکه با تحویل مقادیر زیادی سلاحهای دارای تکنیک پیشرفته به گروه‌های اپوزیسیون افغانی، به مسئله دامن زده است.

میخائیل گارباجف در نامه‌ای به جورج بوش رئیس جمهور آمریکا، از وی خواست به حل مسئله افغانستان کمک کند. نامه‌های مشابهی نیز به دولت‌های آلمان فدرال، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، ایران، پاکستان و چین و نیز سازمان ملل، کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت افریقا، اتحادیه

هرب و جامعه اروپا فرستاده شد. جرج بوش روز پنجشنبه اعلام کرد به شورشیان افغانی کمک نظامی بیشتری خواهد داد. وی از ضدانقلابیون افغانی خواست متحد شوند.

یولی وورنتسوف معاون وزارت خارجه شوروی طی دیداری از هند گفت به نظر می‌رسد ایالات متحده می‌خواهد که خونریزی در افغانستان ادامه یابد. وورنتسوف افزود دولت پاکستان در مواضع شورشیان افغانی در نزدیکی جلال‌آباد توپخانه مستقر کرده است. وی هشدار داد اگر این توپ‌ها مورد استفاده قرار گیرند، اتحاد شوروی ناگزیر از واکنش خواهد بود. وورنتسوف تایید کرد که دولت افغانستان بابرخی گروه‌های اسلامی مخالف و ظاهرشاه در تماس است. وی افزود: "وظیفه روز، پایان دادن به نبردها و خونریزی در افغانستان است."

خاویر پرزدو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد قصد دارد با دولت آمریکا در مورد ادامه کمک ایالات متحده به ضدانقلاب افغانستان مذاکره کند. در عین حال دبیرکل سازمان ملل، ادامه این کمک نظامی را نقض توافق‌های ژنو ندانست! پرزدو کوئیار گفت که به تقاضای دولت افغانستان، اهرام یک نیروی صلح سازمان ملل برای کنترل مرز افغانستان و پاکستان را بررسی می‌کند.

دیه‌گو کوردووز، نماینده دبیرکل سازمان ملل در مذاکرات مربوط به افغانستان، خواهان پایان مداخله "ابرتدترها" و سایر کشورها در افغانستان شد. وی گفت طبق اطلاعات سازمان ملل، پس از خروج نیروهای شوروی کمتر از ده مستشار نظامی شوروی در افغانستان باقی مانده‌اند. کوردووز افزود این مستشاران "دارای وظایف صرفاً محلی هستند که مربوط به خروج نیروهای شوروی است."

کمیسیون ناظران سازمان ملل، به دبیرکل این سازمان گزارشی ارائه کرد که در آن، خروج کامل نیروهای شوروی از

افغانستان تایید شده است.

بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر پاکستان ضمن استقبال از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و تقدیر از نقش میخائیل گارباجف در این رابطه، مدعی شد این امر، یک "پیروزی" برای ضدانقلاب افغانستان و نیز دولت پاکستان است که از این ضدانقلابیون حمایت کرد.

همانگونه که در شماره گذشته نشریه گزارش دادیم، از روز جمعه ۲۱ بهمن "شورای مشورتی" ضدانقلابیون افغانی در راولپندی، پاکستان تشکیل جلسه داده است. گروه‌های طرفدار جمهوری اسلامی در همان روز نخست این شورا، آن را در اعتراض به اختصاص تعداد کمتری نماینده از آنچه طلب می‌کردند، ترک گفتند. در نتیجه، تنها نمایندگان ائتلاف هفتگانه مستقر در پشاور در اجلاس راولپندی باقی ماندند. از میان این هفت حزب نیز، احزاب موسوم به "میان‌رو" به رهبری گیلانی و مجددی، اعلام کرده‌اند که برای شورا در مورد تشکیل "دولت موقت" تمکین نخواهند کرد.

در روز چهارشنبه، شورای راولپندی فهرست ۲۸ نفری "کابینه" مورد نظر خود را تصویب کرد. در راس این "کابینه"، احمدشاه مسعود سرکرده یک گروه مسلح اپوزیسیون مستقر در نزدیکی کابل قرار دارد که در سال گذشته نیز بعنوان رئیس "دولت موقت" معرفی شده بود. بسیاری از شرکردگان نظامی اپوزیسیون افغانستان، اعلام کرده‌اند

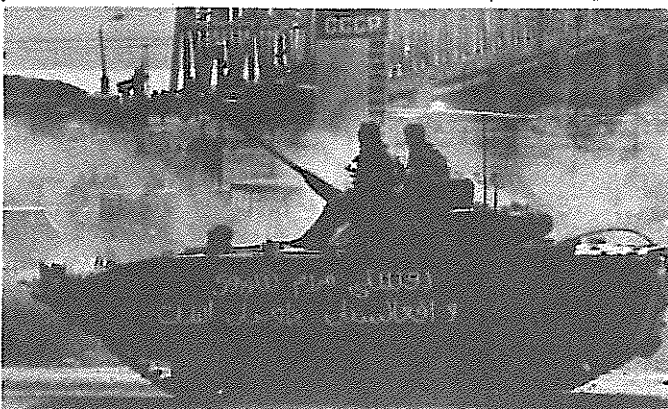
احمدشاه مسعود را بعنوان رئیس دولت موقت خواهند پذیرفت. احزاب "میان‌رو"، "ی" ائتلاف پیشاور نیز این "کابینه" را قبول ندارند.

امین وردک یکی از فرماندهان نظامی ضدانقلاب در منطقه کابل گفت ضدانقلابیون، نیرویی متشکل از ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر در دایره‌ای به شعاع ۵۰ کیلومتر حول کابل مستقر کرده‌اند. وی افزود در کابل ۴۰ هزار نفر نیروی مسلح در انتظار حمله ضدانقلاب به سر می‌برند. به گفته وردک، سرکردگان ضدانقلاب بطور جداگانه چهار نقشه برای حمله به کابل تدارک دیده‌اند. وردک افزود "مستشاران نظامی" سرویس جاسوسی پاکستان نیز برای ضدانقلابیون نقشه نظامی دیگری کشیده‌اند. وردک اظهار داشت در این شرایط، "وضع بسیار دشوار است."

با اینکه خبرگزاری‌های روز جمعه گزارش دادند یکی از احزاب موسوم به "میان‌رو"، به تحریم خود علیه "شورا"ی راولپندی پایان داده‌است، همه ناظران تایید می‌کنند که این شورا تاکنون با شکست مواجه شده است.

ضدانقلابیون افغانی با شلیک موشک‌هایی به مناطق مسکونی کابل، بار دیگر جنایت پیشگی خود را نشان دادند. یکی از این موشک‌ها، سه کودک را به قتل رساند. یک موشک دیگر در فرودگاه باعث کشته شدن راننده یک مینی‌بوس و دو مسافر شد. اصابت موشک دیگری به قتل یک کودک سه ساله انجامید.

به گزارش خبرنگاران، در کابل زندگی تاحدی به حال هادی بازگشته است. رویتتر خبر می‌دهد که بدنبال ورود مواد غذایی و سوختی ارسالی اتحاد شوروی،



یک تانک از نیروهای شوروی در مقابل پلی که شوروی و افغانستان را به هم متصل می‌کند

اعتصاب غذا در نروژ

خواستار اصلی قطع اعدام‌ها، اعزام یک هیأت سازمان ملل و عفو بین‌الملل به ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران جمع‌آوری شد. رادیو و مطبوعات محلی با انتشار خبر اعتصاب غذا، مردم را به همبستگی با زندانیان سیاسی ایران فراخواندند. از سوی مردم هاگسوند نیز دسته‌گلهایی به انجمن ایرانیان ارسال شد. روز شنبه ۱۷ دسامبر، یک راهپیمایی در مرکز شهر هاگسوند در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی ایران برگزار گردید. در قطعنامه این راهپیمایی که با شعارهای مرگ بر خمینی حاضران مورد تأیید قرار گرفت، بر سه خواست تأکید شد. بالا تأکید شد.

برای اعتراض به کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جنایتکار خمینی و دفاع از جان زندانیان سیاسی باقی‌مانده، از طرف انجمن ایرانیان مقیم هاگسوند نروژ اقدام به یک اعتصاب غذای پنج روزه گردید. اعتصاب از روز ۱۳ دسامبر ۱۹۸۸ با ۱۳ نفر شروع شد و در روزهای بعد با ۱۹ نفر ادامه یافت. هر روز بطور مرتب، در پرنفت و آمدترین محل شهر، شرکت کنندگان در اعتصاب غذا با در دست داشتن پلاکاردهایی، به افشای جنایات خمینی پرداخته، اقدام به جمع‌آوری امضا نمودند. تا روز پایان اعتصاب غذا، ۱۸۵۵ امضا در محکومیت جمهوری اسلامی با سه

رادیو تلویزیونی اعلام کرد طبق اطلاعات رسیده به دولت افغانستان، پاکستان سرگرم تمرکز نیرو در امتداد مرزهای دو کشور است تا با حمله به افغانستان، به نقشه ایجاد یک "کنفدراسیون" جامه‌همل بپوشاند. نجیب‌الله افزود نیروهای پاکستانی در تدارک حمله به شهر جلال‌آبادند. به گفته نجیب‌الله، ضدانقلاب افغانستان در ازای دریافت کمک نظامی با نقشه تشکیل کنفدراسیون با پاکستان موافقت کرده است. به نوشته مطبوعات غربی، در حال حاضر در درون اپوزیسیون مسلح افغانستان چهار جبهه شکل گرفته است:

۱- بنیادگرایان سنی به رهبری ثلبدین حکمت‌یار، یونس خالص و دیگران، که بیشترین کمک را از پاکستان و آمریکا دریافت کرده و "دولت موقت" تشکیل داده‌اند.

۲- احزاب "میان‌رو" در ائتلاف پیشاور به رهبری گیلانی، مجددی و دیگران که با "دولت موقت" منتخب شورای راولپندی مخالفند.

مجددی اعلام کرده است تا هنگامی که گروه‌های شیعه مورد حمایت جمهوری اسلامی در شورا حضور نیابند، آن را به رسمیت نخواهد شناخت. به گزارش خبرگزاری‌ها، در مقابله با جناح مسلط بر شورا، نزدیکی‌هایی میان "میان‌روها" و طرفداران جمهوری اسلامی ایجاد شده است.

مجددی گفته است در صورت ادامه وضعیت فعلی، احزاب "میان‌رو" با گروه‌های شیعه متحد شده، "شورا"ی متقابلی تشکیل خواهند داد.

۳- "فرماندهان جنگی" مستقر در افغانستان، که به گزارش مطبوعات تمایل بیشتری به "میان‌روها" دارند، مثلاً عبدالحق یکی از این فرماندهان، گفته است که با حمله نظامی به کابل مخالف است.

۴- ائتلاف هشگانه مستقر در تهران، مطبوعات غربی می‌نویسند در میان این ائتلاف، تمایل بیشتری به مذاکره با دولت افغانستان وجود دارد. به گزارش این مطبوعات، دولت افغانستان به این گروه‌ها پیشنهاد اعطای خودمختاری به مناطق شیعه‌نشین افغانستان کرده است.

همه ناظران، با توجه به این صفت‌های، پیش‌بینی روند تحولات آتی در افغانستان را بسیار دشوار می‌دانند.

وضع توزیع این کالاها در کابل بهبود یافته. ارسال آذوقه و سوخت از طریق پل هوایی شوروی به کابل ادامه دارد. همچنین از دوره حضور نظامی شوروی، یک خط لوله سوخت از مرز شوروی تا حوالی کابل به جا مانده است که مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در همین حال ضدانقلابیون افغانی ادعا کرده‌اند که نبردها در امتداد جاده استراتژیک سنگ که کابل را به مرز شوروی متصل می‌کند، از سر گرفته شده و این جاده بار دیگر مسدود شده است. جاده مزبور اخیراً پس از ریزش برف سنگین و حملات ضدانقلاب بسته شده بود، اما با اقدامات نظامی دولت افغانستان گشوده شد.

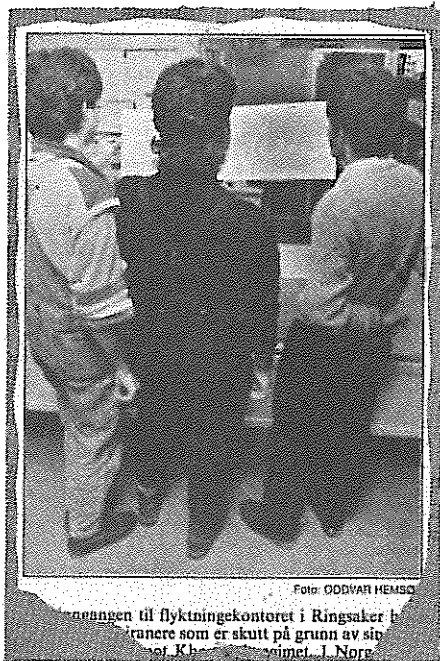
سرلشکر دلاور رئیس ستاد ارتش افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت احتمال اینکه گروه‌های اپوزیسیون بتوانند متحد شوند، اندک است. وی افزود: "تضادهای که میان آنها فاصله ایجاد کرده است، بسیار نیرومندند. این تضادها هم در خارج، در میان

مهاجران و هم در خود افغانستان، روبه افزایشند. مثلاً "فرماندهان جنگی" با رهبرانی که در خارج جاجوش کرده‌اند، درگیرند و می‌گویند این رهبران حق انحصاری تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های اپوزیسیون را ندارند."

ژنرال چرووف یکی از فرماندهان ارتش شوروی طی مصاحبه‌ای گفت اوضاع در افغانستان بسیار پیچیده است. وی افزود: "ماروی این حساب می‌کنیم که ارتش افغانستان قادر به دفاع از منافع ملی کشور است این ارتش دارای تسلیحاتی خوب است و تجربه جنگی، به آن برتری می‌بخشد. اما اینکه جزئیات اوضاع چگونه پیش‌رود، قابل پیش‌بینی نیست. ما امیدواریم که بتوان از جنگ داخلی تمام‌عیار جلوگیری کرد و به مصالحه ملی و تشکیل یک دولت وسیع ائتلافی تحقق بخشید."

دولت افغانستان از "فرماندهان جنگی" اپوزیسیون دعوت کرد با دولت مستقیم‌وارد مذاکره شوند تا راه‌هایی برای قطع خونریزی جستجو شود.

نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان در یک سخنرانی



در کلیشه نشریه نروژی "هامار آربايدر بلاد" آمده است: جلوی در ورودی دفتر پناهندگان، زندانیان سیاسی اعدام شده بدست خمینی نصب شده است. در نروژ تعداد زیادی پناهنده سیاسی ایرانی زندگی می‌کنند که نگرانند که چه اتفاقی برای بستگان و دوستانشان در ایران افتاده است. زندانیان سیاسی در مقابل این سؤال قرار گرفتند که "آیا با رژیم همکاری می‌کنید؟" اثر آنها جواب منفی بدهند، اعدام می‌شوند."

حرکت افشاگرانه در سیاتل (آمریکا)

آن شرکت کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات به سمت بازار همومی شهر راهپیمایی کرده و در طول راه، با پخش اعلامیه تظاهرات و کارت‌های اعتراضی برای ارسال به سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی، همبستگی مردم سیاتل را با خواستهای بر حق مردم ایران جلب کردند.

در تاریخ ۷ ژانویه به دعوت کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران و جمعی از ایرانیان آزادخواه مقیم شهر سیاتل (ایالت واشنگتن آمریکا) تظاهراتی در اعتراض به کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی و برای افشای چهره ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی، در برابر ساختمان فدرال سیاتل برگزار گردید که بیش از ۴۵۰ تن در

اینجا جمهوری اسلامی است، مواظب باشید گزارتان به بیمارستان نیفتد!

بقیه از صفحه اول

در میان همه دار و ندارش چیزی برای فروش گیر نمی آورد فکر می کند:

«اگه الگوها مو برای پیش کرایه خونه نفروخته بودم...»

در اطاق نیمه تاریک حسابداری چند نفر دیگر هم ایستاده اند. مرد سرش را نزدیک گوش کارمند حسابداری می برد.

الان ههراهم نیست می شه شما بگین بستریش کنن من بعدایارم؟

کارمند حسابداری چند لحظه سرپای مرد را اندازه می کند.

همینجور که نمی شه بستری کنیم.

ببینین، حالش خیلی بده

میترسم تا من برم دنبال پول تلف بشه.

چیزی همراهت هست بذار

پیش ما بمونه تا بعدا پول بیاری؟

ملاچی؟

چه می دونم طلائی، ماشین

حسابی یه چیزی قیمت دار.

مرد با ناامیدی جیبهایش را

وارسی می کند پاسخش را از قبل

آماده کرده.

نه.

نمی شه چونم نمی شه. ده هزار

تومن میاری بعد مریضتو بستری

می کنیم. مرد که با ناامیدی خارج

می شود یکنفر دیگر که تعدادی

کافدر دستش است جلو می آید.

«گفتی اسمش چی بود؟»

کارمند حسابداری می گوید و زل

می زند تو چشمای مرد.

فاطمه.

فاطمه چی؟

فاطمه گلزار.

بذار ببینیم... آها... اینم

پرونده ش... خوب، عرض کنم

حضورت می شه سی تومن... ده

تومنشو اول دادی بیست تومن

دیگه باید بدی.

مرد حرکتی نمی کند. مثل

اینکه فکر می کند مامور حسابداری

با او نبوده. همینطور منتظر است.

چرا وایسادی آقا چون گفتم

بیست تومن.

بمانین؟

نه باشم

آخه... حتما اشتباهی شده،

ببینین عیال بنده فقط یک سزارین

کرده.

مگه اسم عیال شما فاطمه

نیست؟

چرا.

فامیلیشم گلزاره، اسم

پدرشم فلامحسین، شماره

شناسنامه شم... بازم بگم؟

نه درسته، ولی آخه چرا اینقدر

گروم؟

بیا، این لیست هزینه هاشه.

کافدی را بدست مردمی دهند:

هزینه دوشب اطاق: دو هزار و

دویست تومان

هزینه اطاق عمل: دو هزار و

یشتصد تومان

حق بیموشی: دو هزار تومان

هزینه داروی اطاق عمل: دو

هزار تومان

داروخانه: هزار و پانصد تومان

هزینه اطاق نوزادان: هزار

تومان

ویزیت (دو نوبت): هزار

تومان

رادیوگرافی (سونوگرافی)

دو هزار تومان

آزمایشات انجام شده: دو هزار

و پانصد تومان

حق عمل جراحی: دو هزار و هزار

تومان

...در یکی از بیمارستانها که با مردم

درمورد گرانی هزینه های درمانی

وارد گفتگو می شویم یک نفر

می گوید: «من مدتی پیش برای

یک کار کوچک درمانی به این

بیمارستان مراجعه کردم اما قبل

از اینکه هرگونه سؤالی راجع به

بیماریم از من پرسند اول گفتند

برو حسابداری. وقتی به حسابداری

رفتم مسئول آنجا به من گفت اول

باید ده هزار تومان هلی الحساب

بدی بعد از اینکه از بیمارستان

مرخص شدم میای حساب می کنیم

بقیه پولتو بهت می دیم. اما بعد از

اینکه مرخص شدم و به حسابداری

مراجعه کردم سندها طوری بود

که من برای همان کار کوچک هم

کلی بدهکار شدم. فکر میکنم

بعضی از بیمارستانها همدا پول هنگفتی را بصورت هلی الحساب از مراجعین می گیرند و بعد طوری عمل می کنند که بیمار مرقد هم بیماریش پیش پا افتاده و کوچک باشد موقع مرخص شدن از بیمارستان چیزی طلبکار که نشود هیچ بدهکار هم باشد.»

یک نفر دیگر که متوجه گفتگوی ما شده، نزدیک می شود و پس از پایان صحبت های کسی که با ما مشغول گفتگوست می گوید: «اگه اجازه بدین منم دو کلمه حرف راجع به بیمارستانهای خصوصی دازم.»

می دونید که هزینه درمانی بخش خصوصی سرسام آورده اما با توجه به کمبود مراکز درمانی دولتی و محدودیتی که در زمینه های امکانات پزشکی هست این بیمارستانها از پذیرش بیماران اورژانسی یا حادثه دیده خودداری می کنن. این افراد هم ناچارن که به مراکز خصوصی مراجعه کنن. اما بیمارستانهای خصوصی که خوب می دونن مردم چاره ای جز مراجعه به اونجا ندارن

از این وضعیت حداکثر سو استفاده رو می کنن. برای نمونه وقایعی که برای یکی از نزدیکان خودم اتفاق افتاده و خود من موبو شاهد همین بودم براتون می گم تا بدونید در اینگونه مراکز چی میگذره. یکی اراقوام نزدیک بنده بنام خانم معزز که حدود ۵۵ سال سن داره چند وقت پیش وقتی به همراه شوهرش مشغول عبور از عرض خیابون بوده با یک ماشین تصادف می کنه و هر دو مجروح می شن یعنی راننده متضر بوده، بهر حال بعد از حادثه با توجه به نزدیکی محل آنها را به بیمارستان شریعتی منتقل می کنن و چون سرخانم خونریزی شدیدی داشته فقط قسمت شکستگی رو بخیه

می کنن و می کن که برای بستری کردن اونجا جاندارن. اینم بگم که شوهر این خانم در ناحیه پا دچار شکستگی شده بود، بعد از اینکه بیمارستان دکتر شریعتی حاضر نمی شه اینارو بستری کنه مجبور می شن به بیمارستان طوس مراجعه کنن. بیمارستان طوس اولین کاری که می کنه برای هر کدوم نفری ده هزار تومن میگیره، در مدتی که خانم در بیمارستان بستریه فقط پانسمان بخیه های سرشو هر روز عوض میکنن و هرچی فامیل ما می گه که بابا من کهرم خیلی درد می کنه «حتما یه بلایی سرش اومده توجهی نمی کنن تا اینکه هزینه روزجای بستری و بقیه هزینه ها به ده هزار تومن می رسه و بخش می کن که شما خوب شدی و مرخصی، بعد از چند روز خانم میبین که درد واقعا مونشو بریده ناچار به یک بیمارستان دیگه مراجعه می کنه که بعد از عکس برداری معلوم می شه لگن خاخره ایشون ترک برداشته و دکتر می گه که حتما باید بستری بشی.

این سرگذشت خانمه که اگه خودش متوجه نشده بود بقول دکتر او ضعفش بدتر می شد و معلوم نبود که چی سرش می آید، اما در مورد شوهر این خانم که گفتم پاش شکسته بود و در همین بیمارستان طوس بستری شده بود. موقع مرخص شدن ایشون از بیمارستان بهشون می گن که هزینه های موبوطه چهل و هشت هزار تومن می شه و وقتی اینا می گن که فقط سه هزار تومن از چهل و هشت هزار تومن کم داریم، بعدا براتون میاریم، خود آقای پزشک معالج و چند نفر دیگه از مسئولان بیمارستان چنان از شنیدن این مسئله عصبانی می شن که پرونده پزشکی ایشونو پاره می کنن.»



محکومیت اسرائیل در سازمان ملل

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ژنو تشکیل جلسه داده است، هملکر اسرائیل در مناطق اشغالی را در دو قطعهنامه شدیداً محکوم کرد. این دو قطعهنامه با اکثریت نیرومندی به تصویب کمیسیون رسید. اسرائیل و آمریکا به این قطعهنامه رأی منفی دادند. در قطعهنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل آمده است اشغال سرزمین‌های فلسطینی، نقض فاحش حقوق بشر است. قطعهنامه‌ها، قتل مردم فلسطینی، از جمله کودکان، شکنجه، استخوانهای اسرا و ضرب و جرح زنان باردار توسط سربازان اسرائیلی را محکوم کرده است. در روز جمعه ۲۸ بهمن، مناطق اشغالی فلسطین بار دیگر شاهد تظاهرات مردم علیه اسرائیل بود که به کشته شدن چند تن از فلسطینی‌ها انجامید. در درون دولت ائتلافی اسرائیل، ملاقات چند نماینده حزب کارگر در پارلمان با یکی از شخصیت‌های فلسطینی طرفدار ساف، اختلافات شدیدی را موجب شده است. شامیر نخست‌وزیر اسرائیل گفت تنها دولت می‌تواند در این باره که باید با کدام شخصیت فلسطینی مذاکره کرد، تصمیم بگیرد. آباایان وزیر خارجه اسبق اسرائیل و عضو حزب کارگر، از دولت خواست با ساف به‌عنوان «ارگان نمایندگی سیاسی فلسطینی‌ها» به مذاکره بپردازد.

از میان سایر رویدادها

در انتخابات پارلمانی سری‌لانکا، حزب حاکم، «حزب متحد ملی» به رهبری راناسینگ پرهاداسا رئیس‌جمهور جدید این کشور، ۱۲۵ کرسی از ۲۲۵ کرسی را بدست آورد. «حزب آزادی سری‌لانکا» به رهبری خانم باندرانایکه رئیس‌جمهور پیشین، توانست ۶۷ نماینده به مجلس جدید بفرستد.

پس از پایان آتش‌بس یکجانبه اعلام شده از سوی جبهه فارابوندو مارتی، انقلابیون المولودور مملد نظامی بزرگی انجام دادند. هدف این حملات، شش پادگان ارتش در سان سالوادور و سه استان دیگر بود. در این عملیات حداقل ۳۰ تن از نیروهای دولتی کشته یا مجروح شدند.

الجزایر، مراکش، موریتانی، لیبی و تونس «اتحادیه کشورهای مغرب» را تشکیل دادند. این اتحادیه با هدف گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی، فرهنگی و توریستی، تشکیل شده است.

دولت ترکیه به کشته شدن ۳۲ تن در زیر شکنجه از هنگام برقراری دیکتاتوری نظامی در سال ۱۹۸۰ اعتراف کرد. سازمان حقوق بشر المللی، اعلام کرده است که حداقل ۱۴۴ زندانی در این مدت زیر شکنجه جان سپرده‌اند.

در بیروت در جریان نبردهای ارتش لبنان با شبه‌نظامیان راستگرا، ۳۳ تن کشته شدند.

توافق کشورهای آمریکای مرکزی، پایان حیات کنترا؟

اساسی نیکاراگوئه، که به علت جنگ اعلان نشده آمریکا از ۱۹۸۱ به بعد برقرار شدند، لغو کردند. دولت نیکاراگوئه اعلام آمادگی کرد انتخابات نوامبر ۱۹۹۰، پیش از موعد و در فوریه ۱۹۹۰ برگزار شود و تضمین‌های همه‌جانبه برای شرکت همه احزاب در آن به وجود آید. از ناظران بین‌المللی، به‌ویژه ناظران سازمان ملل و سازمان کشورهای آمریکای، خواسته شده است بر این انتخابات نظارت کنند.

رئیس‌جمهور هندوراس، که اغلب ضدانقلابیون نیکاراگوئه در کشور او مستقرند، ثقت اطمینان دارد که ایالات متحده توافق سان سالوادور را پذیرفته و دیگر به کنترا کمک نخواهد کرد. اما ناظران سیاسی نسبت به این امر ابراز تردید کردند. یک سخنگوی دولت آمریکا مدعی شد که دولت نیکاراگوئه به تعهدات خود پایبند نخواهد ماند. بوش رئیس‌جمهور آمریکا گفت که «کمک انسانی» به ضدانقلاب نیکاراگوئه را ادامه خواهد داد.

رومای جمهور پنج کشور آمریکای مرکزی (نیکاراگوئه، السالوادور، هندوراس، کستاریکا و گواتمالا) در نشستی در سان سالوادور پایتخت السالوادور، در مورد انحلال دستجات ضدانقلاب نیکاراگوئه، مستقر در سایر کشورهای آمریکای مرکزی، به توافق رسیدند. در بیانیه مشترک این اجلاس آمده است کستاریکا، السالوادور، گواتمالا و هندوراس طرحی برای خلع سلاح و بازگرداندن افراد کنترا به نیکاراگوئه ظرف ۹۰ روز، تهیه خواهند کرد. در مقابل، دانیل اورتگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه با «روندی برای دمکراتیزه کردن و مصالحه» در نیکاراگوئه موافقت کرده است.

رئیس‌جمهور نیکاراگوئه اعلام کرد کلیه افراد ضد انقلاب که سلاحهای خود را به زمین بگذارند، و نیز کلیه زندانیان سیاسی مورد هتو قرار خواهند گرفت. قرار است ظرف چهار ماه، همه محدودیتها در مورد حقوق مندرج در قانون

حزب کمونیست پاراگوئه: قدرت حاکم تغییر نکرده است

بنابه ارزیابی حزب کمونیست پاراگوئه، مناسبات قدرت در این کشور پس از سرنگونی اشترو ستر تغییری نکرده است. یک سخنگوی حزب کمونیست پاراگوئه، حزبی که بیش از ۵۰ سال است در شرایط مخفی مبارزه می‌کند، در گفتگویی با یک روزنامه چاپ آسونسیون پایتخت پاراگوئه گفت کودتای ژنرال رودریگز علیه اشترو ستر، یک جریان «امروزی» تر حزب حاکم کلورادو را به قدرت رسانده است. نیروهایی در این حزب، خواهان میزان مہینی از لیبرالیزه کردن و آزادی‌های محدودی برای اپوزیسیون هستند و در این مورد از حمایت ایالات متحده برخوردارند. به گفته این سخنگوی حزب کمونیست، راست جدید حاکم، مہنوہیت فعالیت کمونیست‌ها را پابرجا نگه خواهد داشت و فشار بر سایر نیروهای چپ را نیز حفظ خواهد کرد، اما کمونیست‌ها از ایجاد فضای بیشتر برای سندیکاها و سایر سازمانهای اجتماعی بهره خواهند گرفت. نخستین وظیفه تقویت کار حزب در سازمانهای پایه بدنال سالها سرکوب است. این سخنگوی حزب کمونیست پاراگوئه افزود این حزب هر آنچه در توان دارد انجام خواهد داد تا وحدت نیروهای ترقیخواه در

چارچوب «جنبش دمکراتیک مردمی» تحکیم شود. طی یک میتینگ در آسونسیون، ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر از مردم پاراگوئه خواهان به عقب انداختن تاریخ انتخابات در پاراگوئه شدند. رژیم نظامی پاراگوئه می‌خواهد در اوایل ماه مه انتخابات ریاست جمهوری و کنگره را برگزار کند. رهبران اپوزیسیون پاراگوئه در گردبمایی آسونسیون با این موہد مخالفت کردند و افزودند برای اپوزیسیون فرصت کافی جهت تدارک شرکت در انتخابات وجود ندارد. آنا نیاس مایدانا، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه نیز در موته ویدئو پایتخت اروگوئه خواهان به عقب انداختن موہد انتخابات شد زیرا انتخابات پیش‌رس، به گفته این سیاستمدار مواضع حزب حاکم را تحکیم خواهد کرد. مایدانا از حکام جدید پاراگوئه خواست قانون اساسی اشترو ستر را لغو و همه زندانیان سیاسی را آزاد کنند. وی خواهان موضع‌گیری حکومت جدید در مورد سرنوشته آنتونیو مایدانا دبیرکل حزب کمونیست پاراگوئه و سایر مہمن پرستانی شد که در زمان اشترو ستر ناپدید شده‌اند.

ارائه آمار نیروهای نظامی در اروپا

دریایی خود در اروپا ۳۳۸ هزار نفر و ناتو ۶۸۵ هزار نفر دارد.

نیروهای هوایی در پیمان ورشو مشتمل بر ۴۲۵ هزار تن و در ناتو بالغ بر ۴۸۲ هزار نفرند تعداد هواپیماهای جنگی پیمان ورشو در اروپا ۷۸۷۶ و همین رقم در مورد پیمان ناتو ۷۱۳۰ است. شمار تانک‌های پیمان ورشو ۵۹۷۴۰ و تعداد تانک‌های ناتو ۳۰۶۹۰ است.

پیمان ورشو برای نخستین بار، آمار مقایسه‌ای نیروهای نظامی مستقر در اروپا را انتشار داد. طبق این آمار، توازنی تقریبی میان نیروهای مسلح پیمان ورشو و ناتو وجود دارد. آمار پیمان ورشو حاکی است نیروهای زمینی این پیمان در اروپا، شامل یک میلیون و هشتصد هزار نفر، و نیروهای زمینی ناتو شامل دو میلیون و صد هزار نفر است. پیمان ورشو در نیروهای

گردهمایی موفق در استرالیا در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران



- صحنه‌ای از یک گردهمایی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران در سیدنی - ۱۹ ژانویه (این شهر در روز ۲۸ ژانویه نیز شاهد میتینگ در این رابطه بود)

در روز شنبه ۲۸ ژانویه، میتینگ موفقیتی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران در سیدنی (استرالیا) برگزار گردید. در این گردهمایی، حدود ۱۵۰ تن از ایرانیان مقیم سیدنی و شهروندان استرالیایی شرکت و همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند.

میتینگ ۲۸ ژانویه سیدنی، به دعوت کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران برگزار شد. در این میتینگ، پیترسایمون دبیرکل حزب سوسیالیست استرالیا و نمایندگان سازمان هفوبین المللی، شعبه استرالیا، سازمان زنان دمکرات استرالیا، فدراسیون کردهای دمکرات، اتحادیه هراتی‌های دمکرات، فدراسیون همیاری ترکهای دمکرات، کلوب جهانی زنان برای صلح و دمکراسی و اتحادیه شیلیایی‌های مقیم استرالیا شرکت داشتند و ضمن سخنانی، به جنایات رژیم ددمنش جمهوری اسلامی اعتراض کردند.

نماینده سازمان هفوبین المللی در این میتینگ با ارائه آمار و گزارشهای مستند اعلام کرد رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تلاشهای این سازمان و سایر سازمانهای مدافع حقوق بشر، همچنان هیچگونه اعتنایی به موازین اولیه حقوق بشر و مقررات بین‌المللی نمی‌کند. وی افزود اقدامهای اخیر

ایران در تاریخ معاصر کم نظیر است.

علاوه بر شخصیت‌هایی که با حضور خود، از گردهمایی مزبور پشتیبانی کردند، پنج سناتور استرالیایی و نمایندگان حزب کارگر، اتحادیه وحدت کمونیستی، جوانان کارگر، انجمن پناهندگان استرالیا و اتحادیه سوسیالیستهای جوان به میتینگ سیدنی پیام فرستادند.

قطعنامه میتینگ ۲۸ ژانویه سیدنی، خواهان قطع فوری اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی ایران، بازدید ناظران بین‌المللی از زندانهای ایران و اعتراض دولت استرالیا به اقدامهای اخیر شده است.

همچنین پیترسایمون دبیرکل حزب سوسیالیست استرالیا در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی، شدیداً به موج اعدام زندانیان سیاسی ایران اعتراض کرد و یادآور شد جنایات رژیم ایران تنها با جنایات فجیع فاشیست‌ها قابل مقایسه است. سایمون خاطر نشان کرده است که فاشیسم نیز بخاطر آن جنایات بالاخره تنبیه و مجازات شد. دبیرکل حزب سوسیالیست استرالیا علاوه بر این نامه‌ای به وزیر خارجه این کشور فرستاده و خواهان اقدام استرالیا در سازمان ملل برای محکومیت رژیم خمینی شده است.

افغانستان: پایان حضور نظامی شوروی

گردهمایی ضدانقلاب افغانی در پاکستان با شکست مواجه شد

به آتش‌بس و قطع تحویل اسلحه از همه کشورها، از جمله "اتحاد شوروی و ایالات متحده" است. بیانیه شوروی می‌افزاید اتحاد شوروی در "انطباق دقیق" با توافقهای ژنو، خروج نیروهای شوروی از افغانستان را به پایان رساند. در بیانیه آمده است: "اتحاد شوروی، داوطلبانه و در توافق با رهبری افغانستان، این کشور را ترک می‌کند، و در آینده نیز به حل مسالمت‌آمیز و همه‌جانبه مسئله افغانستان کمک خواهد کرد." طبق این بیانیه، روند آتی "از بسیای جهات به‌کسانی بستگی دارد که اپوزیسیون مسلح را در دوره اخیر تشویق، و به تسلیحات پیچیده مجهز کرده‌اند." بیانیه شوروی می‌افزاید اکنون برعهده "سازمان ملل است که" در دادن خصلت مثبت به روندی کنونی در افغانستان، نقش بزرگی ایفا کند. "در بیانیه خاطرنشان شده است برای افغانستان، مسئله آوارگان، همچنان مسئله‌ای جدی است که بدون آتش‌بس نمی‌تواند حل شود."

روزنامه پراودا در تفسیری نوشت "تجربه افغانستان" برای اندیشه نو در سیاست خارجی شوروی، مانند سانحه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل، یک درس بوده است. مفسر پراودا تأکید کرد: "اعزام نیروها در پیوند با تضمین امنیت در مرزهای جنوبی ما بود." این تفسیر می‌افزاید باین حال می‌توان "نسبت به ارزیابی از ابعاد خطر نظامی از سوی رهبری برژنف، ابراز تردید کرد." در این تفسیر آمده است در آینده تصمیم‌گیری در مورد اعزام نیروهای نظامی نباید بطور سری و بدون تصویب در پارلمان انجام گیرد. پراودا خاطرنشان می‌کند هیچ راه‌حلی در افغانستان بقیه در صفحه ۸

در ساعت ۱۱ و ۵۵ دقیقه چهارشنبه ۱۵ فوریه (به وقت محلی)، ژنرال باریس گرامف فرمانده واحدهای نظامی شوروی در افغانستان، از پلی بر فراز رود آمودریا (جیحون) که مرز شوروی و افغانستان است، پیاده عبور کرد و بدین ترتیب، آخرین سرباز شوروی از افغانستان خارج شد. پس از ۹ سال، حضور نظامی شوروی در افغانستان پایان یافت. ژنرال گرامف پس از بازگشت به میهن خود گفت: "ما وظیفه انترناسیونالیستی خود را تا آخر انجام دادیم." همراه با گرامف، آخرین گروه نظامیان شوروی متشکل از ۴۰۰ نفر و ۵۰ خودرو زره‌پوش، وارد شهر مرزی ترکم واقع در جمهوری ازبکستان شدند. پیش‌از آن، در شامگاه سه‌شنبه ۱۴ فوریه، گروهی از نظامیان شوروی که حفاظت از فرودگاه کابل در هنگام خروج نیروها را برعهده داشتند، با هواپیما کابل را به مقصد میهن خود ترک کردند.

دولت شوروی پس از خروج نیروهایش از افغانستان، باردیگر خواهان برقراری آتش‌بس در این کشور و قطع تحویل اسلحه به طرفین شد. در بیانیه‌ای که شامگاه چهارشنبه انتشار یافت، اتحاد شوروی از ایالات متحده و پاکستان خواست که بعنوان طرف‌های امضاکننده قرارداد ژنو درباره افغانستان، به تعهدات خود عمل کنند. در بیانیه شوروی آمده است به‌ویژه، مسئولیت زیادی متوجه پاکستان است که باید طبق قرارداد، مانع استفاده از خاکش برای مداخله در افغانستان شود. این بیانیه باردیگر بر فراخوان میخائیل گارباچف درباره افغانستان که طی سخنرانی‌وی در سازمان ملل عنوان شد، تأکید کرد. این فراخوان، شامل دعوت

AKSARIYAT
NO. 246
MONDAY, 20 FEB 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY